

اخلاق اجتماعی در سیره امام حسن عسکری علیه السلام

مقدمه:

اخلاق و بررسی مولفه های اخلاقی در جامعه مساله ای مهم بوده و حائز اهمیت است. امام حسن عسکری سلام الله علیه علی رغم سن کمی که در هنگام شهادت داشته اند، اما گنجینه های گرانبهای زیادی از آن امام مظلوم بر جای مانده است که در هر ورق از سیره و منش آن حضرت، سرمشقی نیکو برای همگان خواهد بود. در این نوشته به نحو اختصار به برخی از اخلاق اجتماعی که در زندگی روزمره همه ما کارایی دارد اشاره خواهد شد.

احسان:

بخشش و گذشت یکی از آداب مهمی است که لازم است آدمی، جدای هرگونه عقیده و یا دینی، نسبت به آن پایند باشد.

آنچه که در سیره اهل بیت علیهم السلام حائز اهمیت است، احسان به فردی باید صورت گیرد که خداشناس بوده و در مسیر الهی قدم برداشته است:

وَ قَالَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ لَوْ جَعَلْتُ الدُّنْيَا كُلَّهَا لُقْمَةً وَاحِدَةً - لَقَمْتُهَا مَنْ يَعْبُدُ اللَّهَ خَالِصًا لَرَأَيْتُ أَنِّي مُقَصَّرٌ فِي حَقِّهِ، وَ لَوْ مَنَعْتُ الْكَافِرَ مِنْهَا حَتَّى يَمُوتَ جُوعًا وَ عَطَشًا، ثُمَّ أَدَقْتُهُ شَرِبَهُ مِنَ الْمَاءِ لَرَأَيْتُ أَنِّي قَدْ أَشْرَفْتُ.

التفسير المنسوب إلى الإمام الحسن العسکری علیه السلام، ص: ۳۲۹

اگر تمام دنیا به صورت يك لقمه در آید و آن را به خورد بنده مخلص خدا بدهم، به نظرم در حق او کوتاهی کرده ام و اگر جلوی کافر را بگیرم تا گرسنه و تشنه جان بدهد، آنگاه يك جرعه آب به او بچشانم، به نظرم اسراف نموده ام.

در روایتی دیگر، امام عسکری سلام الله عليه قضیه بخشش و احسان صقر بن ابی دلف را چنین بیان کرده است:

و رُوِيَ عَنِ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ أَبَا دُلْفٍ تَصَدَّقَ بِنُحْلَةٍ تَمْرٍ ثُمَّ أَعْطَاهُ اللَّهُ بِكُلِّ تَمْرَةٍ مِنْهَا قَرْيَةً وَ كَانَ فِيهَا ثَلَاثَةُ آلَافٍ تَمْرَةٍ وَ سِتُّونَ تَمْرَةً فَأَعْطَاهُ اللَّهُ تَعَالَى بِهَا ثَلَاثَةَ آلَافٍ قَرْيَةٍ وَ سِتُّونَ [سِتِّينَ].

إرشاد القلوب إلى الصواب (للدیلمی)، ج ۱، ص: ۱۱۰

و از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام روایت شده که ابا دلف يك درخت خرما صدقه داد که سه هزار و شصت دانهی خرما داشت خداوند بعدد هر دانهی خرما يك قریه به او عنایت فرمود که مجموع سه هزار و شصت قریه باشد.

حضرت در این روایت، علاوه بر اشاره به رفتار زیبای ابی دلف، اشاره فرمودند که به عدد هر دانه خرما، يك روستا به او داده شد.

برادری

اخوت و برادری بین مؤمنان یکی از مؤلفه های جامعه ایمانی بوده و اهل بیت علیهم السلام بر این مقوله تاکید فراوان دارد در روایتی امام عسکری سلام الله عليه پیرامون رابطه برادری و ویژگی بهترین برادر فرمودند:

خَيْرُ إِخْوَانِكَ مَنْ نَسِيَ ذَنْبَكَ وَ ذَكَرَ إِحْسَانَكَ إِلَيْهِ.

أعلام الدين في صفات المؤمنين، ص: ۳۱۳

بهترین برادرانت کسی است که گناه [و اشتباه] تو را فراموش و خوبی تو به او را یادآوری کند.

در روایتی دیگر، آن حضرت بهترین ویژگی افراد را، خیر رساندن به برادران دینی بیان فرمودند:

خَصْلَتَانِ لَيْسَ فَوْقَهُمَا شَيْءٌ إِلَّايْمَانُ بِاللَّهِ وَ نَفْعُ الْإِخْوَانِ.

تحف العقول، النص، ص: ۴۸۹

دو ویژگی است که بالاتر از آن دو چیزی نیست: ایمان به خدا و نفع رساندن به برادران دینی.

ادب

ادب آئینه تمام نمای آدمی بوده و تبلوری از شخصیت ذاتی آدمی است که در روایتی امام عسکری سلام الله

علیه فرمودند:

وَ مَنْ تَأَدَّبَ بِأَدَبِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَذَاهُ إِلَى الْفَلَاحِ الدَّائِمِ، وَ مَنْ اسْتَوْصَى بِوَصِيَّةِ اللَّهِ كَانَ لَهُ خَيْرُ الدَّارَيْنِ.

التفسير المنسوب إلى الإمام الحسن العسکری علیه السلام، ص: ۱۷

کسی که به ادبی الهی ملتزم باشد، به رستگاری دائمی رسیده است و کسی که به وصیت و فرامین الهی

ملتزم باشد، خوبی دو دنیا به او داده شده است.

در روایتی دیگر، امام علیه السلام اظهار خوشحالی نزد فرد مصیبت زده را خلاف ادب بر شمردند:

لَيْسَ مِنَ الْأَدَبِ إِظْهَارُ الْفَرْحِ عِنْدَ الْمُحْزُونِ.

تحف العقول، النص، ص: ۴۸۹

از ادب به دور است شادی کردن نزد کسی که غمگین است.

کممک به سادات

کممک کردن به دیگران علی الخصوص سادات و کسانی که نسبا به رسول خدا صلی الله علیه و آله می رسند، از آموزه های اهل بیت علیهم السلام بوده و بدان تاکید داشته اند که داستان زیبایی در این مورد بیان شده است:

وَ قَالَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ إِنَّ رَجُلًا جَاعَ عِيَالُهُ، فَخَرَجَ يَبْغِي لَهُمْ مَا يَأْكُلُونَ، فَكَسَبَ دِرْهَمًا، فَاشْتَرَى بِهِ خُبْزًا وَ إِدَامًا، فَمَرَّ بِرَجُلٍ وَ امْرَأَةٍ مِنْ قَرَابَاتِ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فَوَجَدَهُمَا جَائِعِينَ. فَقَالَ: هَؤُلَاءِ أَحَقُّ مِنْ قَرَابَاتِي. فَأَعْطَاهُمَا إِيَّاهُ، وَ لَمْ يَذَرْ بِمَا دَا يَحْتَجُّ فِي مَنْزِلِهِ فَجَعَلَ يَمْشِي رُوَيْدًا يَتَفَكَّرُ فِيمَا يَعْثُلُ بِهِ عِنْدَهُمْ - وَ يَقُولُ لَهُمْ مَا فَعَلَ بِالذَّرْهَمِ، إِذْ لَمْ يَجِئْهُمْ بِشَيْءٍ. فَبَيْنَا هُوَ مُتَحَيِّرٌ فِي طَرِيقِهِ إِذَا بَفِيحٍ يَطْلُبُهُ، فَذَلَّ عَلَيْهِ، فَأَوْصَلَ إِلَيْهِ كِتَابًا مِنْ مِصْرَ، وَ خَمْسِمِائَةِ دِينَارٍ فِي ضَرْبِهِ، وَ قَالَ: هَذِهِ بَقِيَّةُ [مَالِكِ] حَمَلْتُهُ إِلَيْكَ مِنْ مَالِ ابْنِ عَمِّكَ، مَاتَ بِمِصْرَ، وَ خَلَّفَ مِائَةَ أَلْفِ دِينَارٍ عَلَى تِجَارِ مَكَّةَ وَ الْمَدِينَةَ، وَ عَقَارًا كَثِيرًا، وَ مَالًا بِمِصْرَ بِأَضْعَافِ ذَلِكَ. فَأَخَذَ الْخَمْسِمِائَةَ دِينَارٍ وَ وَسَّعَ عَلَى عِيَالِهِ، وَ نَامَ لَيْلَتُهُ. فَرَأَى رَسُولَ اللَّهِ ص وَ عَلِيًّا ع، فَقَالَ لَهُ: كَيْفَ تَرَى إِغْنَاءَنَا لَكَ - لَمَّا أَثَرْتَ قَرَابَتَنَا عَلَى قَرَابَتِكَ [ثُمَّ] لَمْ يَبْقَ بِالْمَدِينَةَ وَ لَا بِمَكَّةَ مِمَّنْ عَلَيْهِ شَيْءٌ - مِنْ الْمِائَةِ أَلْفِ دِينَارٍ إِلَّا أَنَّهُ مُحَمَّدٌ وَ عَلِيٌّ فِي مَنَامِهِ - وَ قَالَ لَهُ: إِذَا بَكَرْتَ بِالْعَدَاةِ عَلَى فُلَانٍ بِحَقِّهِ مِنْ مِيرَاثِ ابْنِ عَمِّهِ وَ إِلَّا بَكَرْنَا عَلَيْكَ بِهَلَاكِكَ وَ اضْطِلَامِكَ: وَ إِزَالَةَ نِعَمِكَ، وَ إِبَاتَتِكَ مِنْ حَشَمِكَ.

فَأَصْبَحُوا كُلُّهُمْ وَ حَمَلُوا إِلَى الرَّجُلِ مَا عَلَيْهِمْ - حَتَّى حَصَلَ عِنْدَهُ مِائَةُ أَلْفِ دِينَارٍ وَ مَا تَرَكَ أَحَدٌ بِمِصْرَ مِمَّنْ لَهُ عِنْدَهُ مَالٌ - إِلَّا وَ أَنَّهُ مُحَمَّدٌ وَ عَلِيٌّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فِي مَنَامِهِ، وَ أَمْرَاهُ أَمْرٌ تَهْدُدُ بِتَعْجِيلِ مَالِ الرَّجُلِ أَسْرَعَ مَا يَقْدِرُ عَلَيْهِ. وَ أَتَى مُحَمَّدٌ وَ عَلِيٌّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ هَذَا الْمُؤْتِرَ لِقَرَابَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله فِي مَنَامِهِ فَقَالَ لَهُ: كَيْفَ رَأَيْتَ صُنْعَ اللَّهِ لَكَ قَدْ أَمَرْنَا مَنْ فِي مِصْرَ أَنْ يَعْجَلَ إِلَيْكَ مَالِكَ، أَ فَتَأْمُرُ حَاكِمَهَا بِأَنْ يَبِيعَ عَقَارَكَ وَ أَمْلاكَكَ - وَ يَسْفُتِجَ إِلَيْكَ بِأَثْمَانِهَا لِتَشْتَرِيَ بِذَلِكَ مِنَ الْمَدِينَةَ قَالَ: بَلَى. فَأَتَى مُحَمَّدٌ وَ عَلِيٌّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ حَاكِمَ مِصْرَ فِي مَنَامِهِ فَأَمْرَاهُ أَنْ يَبِيعَ عَقَارَهُ، وَ السَّفْتَجَةَ بِثَمَنِهِ إِلَيْهِ، فَحَمَلَ إِلَيْهِ مِنْ تِلْكَ الْأَثْمَانِ ثَلَاثِمِائَةَ أَلْفِ دِينَارٍ، فَصَارَ أَعْنَى مَنْ بِالْمَدِينَةَ. ثُمَّ أَتَاهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله، فَقَالَ: يَا عَبْدَ اللَّهِ هَذَا جَزَاؤُكَ فِي الدُّنْيَا عَلَى إِيْتَارِ قَرَابَتِي عَلَى

قَرَابَتِكَ، وَ لَأَعْطِيَنَّكَ فِي الْآخِرَةِ بَدَلَ كُلِّ حَبَّةٍ مِنْ هَذَا الْمَالِ فِي الْجَنَّةِ أَلْفَ قَضْرٍ أَصْغَرُهَا أَكْبَرُ مِنَ الدُّنْيَا، مَعْرُزُ إِبْرَةَ مِنْهَا خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَ مَا فِيهَا.

التفسير المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري عليه السلام، ص: ۳۳۷

امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: مردی خانواده اش دچار گرسنگی شدند، برای تهیه خوراک آنان، یک درهم به دست. آورد نان و خورش خرید که گذارش به مرد و زنی از خویشاوندان محمد و علی علیهما السلام افتاد که آن دو نیز گرسنه بودند.

گفت اینها از خانواده خودم شایسته ترند، نان و خورش را به آنها داد و متحیر ماند که پیش خانواده خود چگونه عذر بخواهد. در راه فکر می کرد چه بگوید که یک درهم را چه کرده در همین بین که متحیر بود، پیکی به دنبال او می گشت که او را راهنمایی کردند، نامه ای از مصر برای او با پانصد دینار آورد و گفت: این باقیمانده مال پسر عمویت هست که در مصر از دنیا رفته و صد هزار دینار نیز دارد که تجار مکه و مدینه باید بپردازند و باغها و اموال زیادی در مصر دارد چندین برابر این است.

پانصد دینار را گرفت و صرف در خرج خانواده خود نمود آن شب پیامبر اکرم را در خواب دید به او فرمود چگونه ما تو را بی نیاز کردیم؟ [جزای آن این است] چون خویشاوندان مرا بر خویشاوندان خود مقدم داشتی. هر کدام از کسانی که در مدینه و مکه مقروض به پسر عموی او بودند، شب در خواب دیدند که به آنها گفته شد: اگر فردا قرض فلانی را که به ارث از پسر عمویش می برد دادی که هیچ و گر نه هلاک خواهید شد و نعمت و شخصیت شما از بین می رود.

تمام بدهکاران بدهی خود که تمام صد هزار دینار بود را پرداختند و هر کس در مصر مالی در اختیارش از پسر عموی او بود، در خواب دید که تهدیدش کردند که هر چه زودتر مال فلانی را رد کن.

آن شخص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و را در خواب دید به او فرمود: دیدی خدا چه کرد برای تو؟ کسانی که در مصر بودند دستور دادیم هر چه زودتر، اموال تو را تحویل دهند اگر مایلی به حاکم مصر بگوئیم باغها و املاک تو را بفروشند تا با پول آن در مدینه برای خود ملک بخری که گفت: مایلم.

حاکم مصر، حضرت محمد و علی علیهما السلام را در خواب دید و به او دستور دادند تا باغهای او را بفروشند و پولش را برای او حواله کنند. مبلغ سیصد هزار دینار برایش فرستاد از تمام ثروتمندان مدینه بالاتر شد. بعد پیغمبر اکرم به خواب او آمد و فرمودند: این پاداش دنیای تو بود که خویشاوندان مرا بر خویشان خود مقدم داشتی، در بهشت به تو در مقابل هر دانه از مالی که دادی، هزار قصر خواهی داشت که کوچکترین قصرهای آن، از [کل] دنیا بزرگتر است که هر سر سوزن آن، بهتر از دنیا و تمام چیزهای موجود در دنیا است.

نتیجه:

رهاورد روایات بیان شده، نشانه از اهمیت رابطه اجتماعی انسان در محیط برون داشته که به برخی از موارد بر اساس روایات امام عسکری سلام الله علیه اشاره شد.

موفق باشید

موسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر

عجل الله تعالی فرجه الشریف